



محرم و تبلیغ از نگاه مقام معظم رهبری

میان رشته ای :: پیام :: پاییز 1389 - شماره 103 (ویژه نامه محرم)
از 26 تا 29

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/929756>

دانلود شده توسط : مرکز مدیریت حوزه های علمیه-کتابخانه ایت الله بروجردی
تاریخ دانلود : 29/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

سید

تسلاّم علیّ الحسین و علیّ بن الحسین

محرم و تبلیغ از نگاه مقام معظم رهبری

عاشورا موتور حرکت اسلامی

ماجرای حسین بن علی علیه السلام، حقیقتاً موتور حرکت قرون اسلامی در جهت تفکرات صحیح اسلامی بوده است. هر آزادیخواه و هر مجاهد فی سبیل الله و هر کس که می‌خواسته است در میدان خطر وارد بشود، از آن ماجرا مایه گرفته و آن را پشتوانه روحی و معنوی خود قرار داده است. در انقلاب ما، این معنا به صورت بینی واضح بود. معلوم نبود اگر ما این حادثه را نمی‌داشتیم، چه‌طور می‌توانستیم در این معرکه خوض کنیم. این خودش فصل عریض و قابل تعمقی است که تمسک به ذیل ماجرای عاشورا و مجاهدت سیدالشهداء علیه السلام، چه تأثیری در وضع انقلاب ما داشت. انسان وقتی در این مسأله غور می‌کند، از عظمت تأثیر آن حادثه به دهشت می‌افتد و فکر می‌کند کسانی که از آن محرومند، این خلأ را چگونه می‌توانند پر کنند.

عاشورا و وظیفه مبلغین

چون شمع تازیانه پروانه‌ایم ما
عشاق را به تیغ زبان گرم می‌کنیم
امروز کسانی هستند که می‌خواهند ماجرای عاشورا را به عنوان یک درس، خاطره و یک شرح واقعه،

از زبان علما، روحانیون، مبلغین، مبلغات و امثال اینها بشنوند. ما در این زمینه چه خواهیم کرد؟ در این جا به قضیه خیلی مهم تبلیغ می‌رسیم. اگر روزی این طلاب جوان، فضایی حوزه‌های علمیه، مبلغین، وعاظ، مدآحان و روضه‌خوانان، توانسته‌اند ماجرای عاشورا را مثل حربه‌ای علیه ظلمات متراکم حاکم بر فضای زندگی همه بشر به کار گیرند و با این تیغ بُرنده الهی پرده ظلمات را بشکافند و خورشید حقیقت را به شکل حاکمیت اسلام واضح و آشکار کنند - این حقیقت در زمان ما اتفاق افتاده است - چرا نباید متوقع بود که در هر عصر و زمانی - هر چه هم که تبلیغات دشمن در آن دوره سخت، همه‌گیر و ظلمات «اشد تراکما» باشد - مبلغین، گویندگان و علمای دین، بتوانند علیه هر باطلی، شمشیر حق و ذوالفقار علوی و ولوی را در دست گیرند و از آن استفاده کنند؟!

سنت روضه خوانی

بنده می‌خواهم به طور خلاصه، دو مطلب را عرض کنم: یکی این که، عاشورا و ماجرای حسین بن علی باید در منبر، به شکل سنتی روضه‌خوانی شود؛ اما نه برای سنت‌گرایی، بلکه از طریق واقعه‌خوانی. یعنی این که، شب عاشورا این طور شد، روز عاشورا این طور شد، صبح عاشورا این طور شد. شما ببینید یک حادثه بزرگ، به مرور از بین می‌رود؛ اما حادثه عاشورا، به برکت همین خواندن‌ها، با جزئیاتش باقی مانده است. فلان کس این طوری آمد با امام حسین وداع کرد؛ این طوری رفت به میدان، این طوری جنگید؛ این طوری شهید شد و این کلمات را بر زبان جاری کرد.

واقعه‌خوانی بر اساس منابع متقن

واقعه‌خوانی، تا حدّ ممکن باید متقن باشد. مثلاً در حدود «لهوف» ابن طاووس و «ارشاد» مفید و امثال اینها - نه چیزهای من‌درآوردی - واقعه‌خوانی و روضه‌خوانی شود. در خلال روضه‌خوانی، سخنرانی، مدّاحی، شعرهای مصیبت، خواندن نوحه سینه‌زنی و در خلال سخنرانیهای آموزنده، ماجرا و هدف امام حسین علیه السلام یعنی همان هدفی که در کلمات خود آن بزرگوار هست که: «و انی لم اخرج اشراً و لا بطراً و لا ظالماً و لا مفسداً، و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی»، بیان شود. این یک سرفصل است. عباراتی از قبیل «ایها الناس، ان رسول الله، صلی الله علیه و آله و سلم قال: من رأى سلطاناً جائراً، مستحلاً لحرم الله، ناکثاً لعهد الله... فلم یغیر علیه بفعل و لا قول، کان حقاً علی الله ان یدخله مدخله» و «من کان بادلاً فینا مهجته و موطناً علی لقاء الله نفسه فلیرحل معنا»، هر کدام یک درس و سرفصلند.



همان‌طور که خود حسین بن علی علیه السلام به برکت جهادش، اسلام را زنده کرد (اسلام، در حقیقت زنده شده و آزاد شده خون و قیام حسین بن علی است) امروز هم شما به انگیزه یاد، نام و منبر آن بزرگوار، حقایق اسلامی را بیان کنید؛ قرآن و حدیث را معرفی کنید؛ نهج البلاغه را برای مردم بخوانید؛ حقایق اسلامی، از جمله همین حقیقت مبارکی را که امروز در حکومت حق، یعنی نظام علوی، ولوی و نبوی جمهوری اسلامی، تجسد پیدا کرده است برای مردم بیان کنید. این، جزو بالاترین معارف اسلامی است. خیال نکنند که می‌شود اسلام را تبیین کرد و از حاکمیت اسلام - که امروز در این مرز و بوم متجسد شده است - غافل ماند و آن را مغفول عنه گذاشت. این توصیه ما به شما عزیزان است.

عاشورا و تکلیف روحانیون

ما در دوران خود، محرم را با محصول آن، یکجا داریم. با این محرم، بایستی چگونه رفتار کنیم؟ پاسخ این است که ما معلمان، همه‌ی علمای دین، همه‌ی مبلغان و همه‌ی ذاکران، باید مسأله‌ی عاشورا و مصایب حسین بن علی علیه السلام را به صورت یک مسأله جدی و اصلی و به دور از شعار مورد توجه قرار بدهیم. واقعا اگر بخواهیم این مسأله را جدی بگیریم، راهش چیست؟

اولین شرط این است که ما حادثه را از پیرایه‌های مضر خالی کنیم. چیزهایی وجود دارد که اگرچه پیرایه است، اما نه مضر و نه حتی دروغ است. همه‌ی کسانی که بخواهند با بیان هنری، حادثه‌ای را ترسیم کنند، فقط متن حادثه را نمی‌گویند. وقتی شما می‌شنوید که در شرایط خاصی، سخنی از زبان کسی خارج شده، می‌توانید احساسات آن گوینده سخن را هم حدس بزنید. این یک چیز قهری است. اگر در بیابانی و در مقابل لشکریانی، انسانی حرفی بر زبان جاری می‌کند، بسته به این که آن حرف چه باشد - دعوت و التماس و تهدید و ... - قاعدتا حالاتی در روح و ذهن این گوینده وجود دارد که این برای شنونده عاقل، قابل حدس است و برای گوینده هنرمند نیز قابل بیان می‌باشد. گفتن اینها اشکالی ندارد.

ما وقتی بخواهیم حالات امام علیه السلام و اصحابش را در روز و شب عاشورا - آن مقداری که در کتب معتبره خواندیم و یافتیم - بیان کنیم، قهرا خصوصیات و ملاساتی دارد. فرض کنید سخنی را که امام علیه السلام با یارانش در شب عاشورا گفته است، می‌توانید با این خصوصیات بیان کنید: در تاریکی شب و یا در تاریکی غم‌انگیز و حزن‌آور آن شب و از این قبیل. این پیرایه‌ها، نه مضر و نه دروغ است؛ اما بعضی از پیرایه‌ها دروغند و بعضی از نقلها خلاف می‌باشند و حتی آنچه که در بعضی از کتابها نوشته شده است، مناسب شأن و لایق مفهوم و معنای نهضت حسینی نیست. اینها را بایستی شناخت و جدا کرد.

سخنی که شما در جلسه، روی منبر به مردم می‌گویید، با حرفی که در رادیو به مردم گفته خواهد

شد، فرق می‌کند؛ ولو خود شما آن حرف را بزیند. من بارها این نکته را گفته‌ام که در نشستن و در چشم هم نگاه کردن و نفس و صدای همدیگر را شنیدن و حضور و گرمای وجود یکدیگر را لمس کردن میان مستمع و گوینده، اثری است که در پیام از راه دور، آن اثر نیست. ما معلمان، این را قدر بدانیم. بارها در جلسات اهل علم و وعاظ، این مطلب را تکرار کرده‌ام و گفته‌ام این امتیاز که در جلسات مردم، چشم به چشم و روبه‌رویشان، با آنها حرف می‌زنیم و نه فقط امواج صدای ما، بلکه وجودمان را حس می‌کنند، متعلق به ماست. این چیز خیلی مغتنمی است و تأثیر مضاعفی دارد. باید در این دوره و فصل جدید که به حق، امیدهای زیادی هم نسبت به آن وجود دارد و می‌بایست آن امیدها و انتظارات برآورده شوند، مردم به وظایف اساسیشان تذکر و توجه داده شوند.

عاشورا و عواطف

بیان ماجرای عاشورا، فقط بیان یک خاطره نیست. بلکه بیان حادثه‌ای است که دارای ابعاد بی‌شمار است. پس یادآوری این خاطره، در حقیقت مقوله‌ای است که می‌تواند به برکات فراوان و بیشماری منتهی شود. لذا شما ملاحظه می‌کنید که در زمان ائمه علیهم‌السلام، قضیه گریستن و گریاندن برای امام حسین علیه‌السلام، برای خود جایی دارد. مبدا کسی خیال کند که در زمینه فکر و منطق و استدلال، دیگر چه جایی برای گریه کردن و این بحثهای قدیمی است! نه! این خیال باطل است. عاطفه به جای خود و منطق و استدلال هم به جای خود، هر یک سهمی در بنای شخصیت انسان دارد. خیلی از مسائل است که باید آنها را با عاطفه و محبت حل کرد و در آنها جای منطق و استدلال نیست.

حادثه عاشورا، در ذات و طبیعت خود، یک دریای خروشان عواطف صادق است. یک انسان والا، پاک، منور و بدون ذرهای شائبه تردید در شخصیت ملکوتی والای او، برای هدفی که همه منصفین عالم در صحت آن، که مبتنی بر نجات جامعه از چنگ ظلم و جور و عدوان است، متفقند، حرکت شگرفش را آغاز می‌کند و می‌گوید: «ایها الناس! ان رسول الله صلی الله علیه و آله، قال: من رأى سلطاناً جائراً...» بحث سر این است. امام حسین علیه‌السلام، فلسفه حرکت خود را مقابله با جور قرار می‌دهد: «یعمل فی عبادالله بالاثم والعدوان.» بحث بر سر مقدس‌ترین هدفهاست که همه منصفین عالم آن را قبول دارند. چنان انسانی، در راه چنین هدفی، دشوارترین مبارزه را تحمل می‌کند. امام بزرگوار ما، محرم را به عنوان ماهی که در آن، خون بر شمشیر پیروز می‌شود، مطرح نمود و به برکت محرم، با همین تحلیل و منطق، خون را بر شمشیر پیروز کرد. این، یک نمونه از جلوه‌های نعمت ماه محرم و مجالس ذکر و یاد امام حسین علیه‌السلام است که شما دیدید. لذا هم مردم و هم روحانیون، باید از این نعمت استفاده کنند.

